



درس فارح فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۰ فروردین ۱۴۰۴

مصادف با: ۱۰ شوال ۱۴۴۶

موضوع کلی: کاهش ارزش پول و بررسی آثار فقهی آن

موضوع جزئی: جبران کاهش ارزش پول - ادله لزوم جبران مطلقاً - دلیل دوم (راه دوم) -

بررسی مجدد اشکال اول

جلسه: ۳۷

سال دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

بررسی مجدد اشکال اول

در مورد راه دوم یا دلیل دوم از راه‌ها یا ادله ضمان در صورت کاهش ارزش پول، اشکالی همچنان از دید برخی از دوستان وارد بوده و پاسخی که داده شده به نظر آنها مکفی نیست. این اشکال، اولین اشکال از اشکالات دوازده‌گانه‌ای است که ما در ضمن بررسی راه دوم مطرح کردیم. گفتیم این اشکال نسبت به راه اول وارد است، اما با توجه به تفاوت‌هایی که بین راه دوم و راه اول وجود دارد، این اشکال از راه دوم مرتفع است. ما قبلاً به این اشکال پاسخ دادیم؛ اکنون مروری بر اشکال و پاسخ آن می‌کنیم و به نکاتی توجه خواهیم داد که امیدواریم با این توضیحات ان شاء الله آن اشکالاتی که در ذهن دوستان هست، مرتفع شود.

اصل راه حل معلوم است؛ اشکال این بود که اگر براساس این راه، هم قدرت خرید و هم ارزش اسمی در مثلثیت دخالت دارند، پس چرا در صورت کاهش ارزش، این ارزش اسمی لحاظ نمی‌شود؟ چه فرقی است بین صورت افزایش و صورت کاهش، که در یک فرض آن عدد و ارزش اسمی در نظر گرفته می‌شود اما در صورت دیگر، آن عدد و ارزش اسمی مورد توجه قرار نمی‌گیرد؟

ما این را قبلاً هم اشاره کردیم؛ طبق این راه حل، آنچه به عنوان مثل پول اعتباری دریافت شده باید بازگردانده شود، عبارت است از چیزی که هم در ارزش و مالیت با آن پول یکسان باشد و هم جنس آن را داشته باشد؛ همسانی در جنس و مالیت و ارزش و قیمت لازم است. طبق این راه حل، پول اعتباری در واقع عبارت از قدرت خرید و توان خرید آن مقدار پول است؛ توان خرید یک ارزشی دارد؛ آن مقدار کالا یا خدماتی که به ازاء پول می‌توان دریافت کرد؛ حقیقت پول اعتباری عبارت از چنین چیزی است. این بحثی ندارد.

اما علاوه بر ارزش و مالیت و قدرت خرید، جنس آن پول هم مهم است؛ اگر ما گفتیم پول اعتباری مثلی است، باید مثل این پول را که متشکل از توان خرید و جنس آن پول است را برگردانیم. شما نمی‌توانید در مورد چیزی که مثلی محسوب می‌شود، چیزی از غیر آن جنس بدهید؛ در کالاهای مثلی هم که قرار بر اداء مثل است، مثل عبارت از چیزی است که جنس آن با جنس اصل یکسان است. کسی که ضامن مثل است، باید همسانی و همانندی در جنس را لحاظ کند. بله، اگر قیمی بود، قیمت آن را باید می‌پرداخت؛ ولی اگر مثلی شد، مثل پارچه‌ها و ظروف یا هر چیزی که در این زمانه کارخانه‌ها می‌سازند، اینها همه مثلی است و در همه جهات مثل هم هستند. اگر یک ظرفی شکست، مثل آن به عهده می‌آید؛ مثل آن عبارت است از چیزی که

در جنس با اصل همانند است. ما قبلاً گفتیم پول اعتباری یک حقیقتی است که یک قدرت خریدی دارد؛ یعنی با این پول می‌توان مقدار مشخصی از کالا یا خدمت دریافت کرد. این همان ارزش و مالیت پول است. در کنار این، جنس این پول هم مورد نظر است؛ جنس این پول یعنی یک پولی مثل خود این پول؛ جنس این پول عبارت است از برگه کاغذی که اعدادی روی آن نوشته شده است. پس توجه بفرمایید که وقتی سخن از ضامن بودن نسبت به پول اعتباری به میان می‌آید، یعنی ضمانت نسبت به مالیت و ارزش آن و خود آن پول، یعنی جنس آن.

حال اگر پولی دچار کاهش ارزش شود و بخواهد مثل این پول به مقرض یا مالک پرداخت شود، باید در ارزش و مالیت آن همسانی وجود داشته باشد و از آنجا که ارزش پول اعتباری به قدرت خرید آن است، پس قدرت خرید آن باید حفظ شود. به علاوه، همسانی و همانندی در جنس هم باید وجود داشته باشد. همانندی در جنس به این است که همین برگه‌های کاغذ با همین اعداد و ارقام داده شود. فرض کنید صد هزار تومان در سال قبل تلف کرده یا قرض داده و الان ارزش آن به نصف تقلیل پیدا کرده، حال چنانچه همان صد هزار تومان را بدهد، در مالیت همانند محسوب نمی‌شود، ولی اگر دویست هزار تومان بدهد، هم یکسانی در مالیت و ارزش را رعایت کرده و هم جنس پول را؛ در این فرض مشکلی نیست. عمده اشکال و سؤال متوجه فرض افزایش ارزش پول بود؛ مثلاً کسی سال گذشته صد هزار تومان قرض داده و امسال ارزش آن دو برابر شده است؛ یعنی قدرت خرید صد هزار تومان امسال به اندازه قدرت خرید دویست هزار تومان سال گذشته است. اینجا اگر بخواهد مثل آن پول برگردانده شود، باید همان دو جهت لحاظ شود؛ همانندی در ارزش و مالیت و همانندی در جنس. همانندی در ارزش اینجا هست با یک اضافه؛ این افزایش ارزش یک چیزی است که متعلق به مضمون‌له و صاحب حق است. جنس پول ارزش پیدا کرده است؛ این متعلق به صاحب پول است. وقتی می‌خواهد این را برگرداند، خود همان صد هزار تومان را که عدد و رقم معین و جنس آن پول است و مالیت و ارزش آن که افزایش پیدا کرده، کأن یک نصیبی است که به صاحب پول متعلق است. اینکه بخواهد از یک جنس دیگری مثل را بپردازد، این درست نیست؛ صد هزار تومان گرفته و الان هم صد هزار تومان برمی‌گرداند. او ضامن جنس پول و ارزش آن بوده است؛ الان که افزایش پیدا کرده، کأن یک بهره و نصیبی است متعلق به مضمون‌له و صاحب پول. او ضامن مثل بوده و این هم مثل آن محسوب می‌شود.

اگر به خاطر داشته باشید ما تأکید کردیم که مرجع تشخیص در این مورد، عرف است؛ وقتی ارزش پول کاهش پیدا می‌کند، عرف صد هزار تومان را مثل صد هزار تومان گذشته نمی‌داند؛ اگر کسی بخواهد بعد از چند سال همان صد هزار تومان را بپردازد، عرف این را مثل آن محسوب نمی‌کند. اما در صورت افزایش ارزش، همین عرف صد هزار تومان را مثل همان صد هزار تومان قبلی می‌بیند. ملاک، عرف است؛ عرف در فرض کاهش آن را مثل محسوب نمی‌کند اما در فرض افزایش، آن را مثل محسوب می‌کند.

سؤال:

استاد: در فهم و ارتکار عرف این چنین است؛ ما در همه مواردی که ادعا می‌کنیم عرف، اینطور نیست که یک احصاء کامل کنیم و ببینیم چه می‌گویند.

اگر ارزش پول افزایش پیدا کند، شما که صد هزار تومان قرض گرفته‌اید، امروز بخواهید پنجاه هزار تومان بدهید، عرف این را

مثل آن محسوب نمی‌کند؛ عرف می‌گوید این مثل آن نیست. همین عرف در صورت کاهش، اگر شما صد هزار تومان را ده سال پیش گرفته‌اید و امروز بخواهید صد هزار تومان را برگردانید، می‌گوید این صد هزار تومان مثل آن صد هزار تومان نیست. معیار داوری، عرف است؛ در همان بحث گذشته هم عرض کردم که اساس مسئله این است که طبق این راه‌حل حقیقت پول عبارت از قدرت خرید مقداری معین از خدمات و کالا است. از دید عرف و عقلا، ارزش مبادله‌ای و قدرت خرید پول اعتباری یک صفت حقیقی محسوب می‌شود و چون یک صفت حقیقی محسوب می‌شود، مثل بقیه صفات مثل برعهده می‌آید. در کالاهای مثلی به چه دلیل شما همه صفات را در نظر می‌گیرید و می‌گویید نسبت به آنها ضامن است؟ حقیقت این پول هم عبارت از قدرت خرید است و قدرت و توان خرید از دید عرف یک صفت حقیقی محسوب می‌شود؛ لذا مثلث آن به همانندی در توان خرید است. این یک اصل است؛ منتها توان خرید این عدد و رقم. چرا اگر ارزش به نصف تقلیل پیدا کند، عرف نمی‌گوید شما سه برابر باید حساب کنید؟ می‌گوید ارزش صد هزار تومان سال گذشته، امسال دویست هزار تومان شده است؛ شما باید مثل صد هزار تومان سال گذشته را بدهید که می‌شود دویست هزار تومان. اما در صورت افزایش، عرف این را نمی‌گوید. عرف می‌گوید شما ضامن مثل این پول اعتباری هستید؛ مثل این پول اعتباری عبارت از قدرت خرید به ضمیمه آن ارزش اسمی است. حالا اگر قدرت خرید افزایش پیدا کرده، کأن این یک افزایشی است متعلق به صاحب پول و متعلق به مضمون‌له؛ اما آن عدد و رقم همانی بوده که دریافت کردی و حالا هم باید همان عدد و رقم را برگردانی.

سؤال:

استاد: ما کماکان می‌گوییم حقیقت پول اعتباری عبارت است از توان خرید در چهارچوب ارزش اسمی؛ در این بحثی نیست و از این هم عدول نکردیم؛ دلیل ما هم همین است. این دلیل و راه ناظر به تحلیل ماهیت پول است. شما می‌فرمایید که اگر این است، پس چرا بین صورت افزایش و کاهش فرق است؟ پاسخ من این است که ما در این مسئله یک مرجعی به نام عرف داریم؛ عرف وقتی مثل را در صورت کاهش می‌خواهد معرفی کند، این چنین معرفی می‌کند؛ در صورت افزایش این چنین نیست. شما می‌گویید عرف دلیل شده؟ عرض من این است که نه، عرف دلیل نشده است؛ عرف، داور تشخیص در مثل است. ما برای اینکه مثل به عهده ضامن می‌آید و مثل عبارت است از قدرت خرید این پول اعتباری با ارزش اسمی معین؛ دلیل آوردیم و می‌گوییم حقیقت پول این است. منتها تشخیص مثل به عهده کیست؟ می‌گوییم عرف. ما این را به عنوان دلیل نگفتیم.

سؤال:

استاد: اساساً تفاوت راه اول و راه دوم همین بود؛ در راه اول مطلقاً قدرت خرید ملاک بود ... می‌گوید مثل صد هزار تومان، قدرت خرید صد هزار تومان است؛ معلوم است که عدد لغو نیست. طبق راه اول هم عدد لغو نیست، اما تفاوت بین راه اول و راه دوم در چند جهت بود که ما اشاره کردیم؛ مراجعه مجدد بفرمایید. ... من از شما سؤال می‌کنم که تفاوت راه اول و دوم در چیست؟ ... پس طبق راه اول لغویت نسبت به اعداد پیش نمی‌آید؟ ... این جزئی از مثل است؛ فرق می‌کند که این جزء مثل باشد یا خارج از مثل. ایشان در واقع می‌خواهد بگوید که نزاع بیهوده می‌کنیم ... اصل مسئله به نظر من کاملاً واضح و روشن است؛ ملاک معلوم است و هیچ تفاوتی هم بین صورت افزایش و صورت کاهش در این جهت پدید نمی‌آید. تفاوتی که شما نسبت به آن اعتراض می‌کنید، فقط مربوط به این است که عرف در این صورت ... هیچ عرفی نمی‌گوید که شما صد هزار

تومان گرفته‌اید، امسال پنجاه هزار تومان بدهید. ... می‌خواهم بگویم که با توجه به بعضی شرایط، خیلی تحقق آن دور از ذهن نیست. الان فرض کنید ارزش پول ما در دو سال اخیر افت شدید کرده است؛ ما بر هر معیاری این را بسنجیم، برابری با ارزهای خارجی، قدرت خرید، توان کلی اقتصادی کشور، با هر چه که بخواهیم حساب کنیم؛ فرض کنید در آینده اوضاع اقتصادی بهبود پیدا کند و ارزش پول دو برابر شود اگر ارزش پول طی یک سال دو برابر شود و برگردد به موقعیت قبل از افت شدید، ... این قابل تحقق است؛ مثلاً قیمت‌ها به یک سوم تقلیل پیدا کند ... در دوران جنگ قط‌نامه ۵۹۸ که پذیرفته شد، سقوط شدید اولاً در همه کالاها نبود و ثانیاً خیلی دوام نداشت و دوباره مسیر صعود را در پیش گرفت؛ اما به هر حال امکان تقویت پول ملی وجود دارد و این تقویت اگر اتفاق بیفتد، قهراً چندان غیرفاحش هم نیست. به هر حال جدا از این جهت، تأملی بفرمایید. به نظر ما که مشکلی نیست.

«والحمد لله رب العالمین»